

تازه‌های ایران‌شناسی

زهره هدایتی

Notes on the Language and Ethnography of the Zoroastrians of Yazd,
Fereyduun Vahman and Garnik Asatrian, Copenhagen, 2002, 115 pp.

این مجلد متنی است از متون زرتشتیان یزد ایران، از مجموعه متون دی. ال. لوریمر، و سه متن کوچک در باب ازدواج، تولد نوزاد و آداب تدفین، همراه با ترجمه انگلیسی، یادداشتهای توضیحی، و واژه‌نامه کامل. در مقدمه، واج‌شناسی تاریخی، نظام واژگانی، گویشها، تعیین جایگاه گویش‌شناختی زبان زرتشتی در میان زنجیره زبان‌شناختی زبانهای ایرانی نو، و نیز جوانب مختلف تاریخ قومی، توزیع جغرافیایی زرتشتیان ایرانی یا، آن‌گونه که مصطلح است، گبرها، به طور گسترده و همه‌جانبه تحلیل شده است.

در یادداشتهای توضیحی بر متنها و ترجمه‌هایشان (در بخش «یادداشتهای»)، جزئیات قوم‌نگاری، آداب و رسوم و مراسم و جشنهای زرتشتیان ایران و ویژگیها و مختصات زبان‌شناختی متون موجود کاملاً بررسی شده؛ به علاوه، کتاب‌شناسی جامع و مطالب مشابه از منابع دیگر آورده شده است. کتاب، همچنین، پیوستی دارد در توصیف مراسم ازدواج زرتشتیان تهران به قلم نویسنده‌ای یومی (از مجله فرهنگ مردم) که به انگلیسی ترجمه شده، به همراه چند تصویر سیاه‌قلم بسیار نفیس و دیدنی از مجموعه‌های نادر منتشرشده در سده نوزدهم که در آنها آمده است.

در مجموعه لوریمر، کتاب و مقاله‌هایی نیز درباره قوم‌شناسی، ادبیات و... درباره بختیارها منتشر شده است. این کتاب حاصل تلاش فریدون وهمن، استاد دانشگاه کپنهاگ، و گارنیک آساطوریان، استاد دانشگاه دولتی ایروان، است و فرهنگستان سلطنتی علوم و ادبیات کپنهاگ آن را به چاپ سپرده است.

از ایران زردشتی تا اسلام: مطالعاتی درباره تاریخ دین و تماس‌های فرهنگی، شانول شاکد، ترجمه مرتضی ناقب‌فر، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱، ۳۶۶ ص.

توانایی در اخذ فرهنگ‌های دیگر و تطبیق به آنها از ویژگی‌هایی است که ملت‌ها را زنده نگاه می‌دارد و تداوم حیات فرهنگی‌شان را تضمین می‌کند. ایرانیان در تاریخ پر فراز و نشیب‌شان نه تنها از آشوب‌ها، جنگ‌ها، تجاوز بیگانگان و غارت و چپاول جان به در برده‌اند، که هر بار تمدنی عظیم و مستقل بنا کرده‌اند و در فرهنگ‌های همسایه و همجوار خود تأثیر گذارده‌اند. ایرانیان اسلام را منفعلانه نپذیرفتند و نشان دادند که پدیده‌های فرهنگی در همین تعامل با یکدیگر می‌بالند. نویسنده در این مجموعه با بررسی و مطالعه برخی عناصر فرهنگی کوشیده این تعامل و انتقال را باز نماید.

این کتاب مجموعه مقاله‌هایی است که هریک پیش‌تر به طور جداگانه چاپ شده بوده‌اند و سپس در ۱۹۹۵ در کتابی با نام *From Zoroastrian Iran to Islam* گردآوری و منتشر شدند. مقاله‌ها در دو بخش تنظیم شده‌اند. بخش یکم به بررسی کیش زرتشتی در زمان ساسانیان اختصاص یافته و به مفاهیمی چون «میتو»، «گیتی»، «اهریمن»، «مهرداور» و «اسطوره زروان» می‌پردازد. بخش دوم با عنوان «از ایران تا اسلام» به نکاتی درباره انتقال برخی مفاهیم و مضامین و نمادهای زرتشتی به دوره اسلامی اشاره می‌کند. از آن جمله است همزادی دین و دولت در نظریه ابن‌مفلق درباره حکومت؛ ابن‌مفلق یکی از برجسته‌ترین انتقال‌دهندگان متون و سنت‌های ایرانی پیش از اسلام به دوره اسلامی است و از آنجا که در بزرگسالی به اسلام گروید، به انتقال آنچه جالب‌ترین جنبه‌های فرهنگ مادری خود می‌دانست علاقه شدید داشت. ترجمه‌های مشهور او، از جمله ترجمه کلیله و دمنه از پهلوی به عربی، مؤید آن است. نویسنده در بررسی خود بر نشانه‌هایی حاکی از اینکه ابن‌مفلق پیش از اسلام آوردن زرتشتی بود؛ تأکید می‌ورزد (برخلاف گفته‌های صریح درباره مانوی بودن ری) و معتقد است: «بیشتر نوشته‌هایی که از قلم ابن‌مفلق جاری شده یا قرابتی با آن دارند از ادبیات دربار ساسانی هستند که سرشار از روح زرتشتی بوده است» (ص ۲۲۱). و البته هیچ مدرکی که نشان دهد ابن‌مفلق در متون ایرانی دستکاری کرده تا عقاید شخصی‌اش را وارد متن کرده باشد نمی‌یابد. به نظر نویسنده، «او حتی وقتی با مسائل مشخص زمان خود روبه‌رو می‌شود، به نظر می‌رسد، به عنوان کسی که مقام برجسته‌ای در عالم اسلام دارد، از دانش سنتی خود استفاده می‌کند. مواد و مصالح مورد استفاده از نوشته‌هایی هستند که در دربار ساسانی رواج داشته‌اند» (ص ۲۳۱).

نکته دیگر، بررسی برخی از نمادهای پادشاهی برای بیان استمرار آنهاست؛ از جمله تاج پادشاهان ساسانی و زنجیر در آرایه‌های کاخ‌های بنی‌امیه، ناز بالش‌های ساسانی و تَمَرَق یا وساده عربی، تخت پادشاهی و کرسی، نماد شاهی میوه به و سَفَرَجَل، مهرهای حضرت علی و مهرهای انوشیروان، که همگی حکایت از تداوم عناصر فرهنگی ایران باستان تا دوره اسلامی دارد.

مطلب بعدی بررسی اصطلاح «ییمان» و درانداختن بحث وام‌گیری از ادبیات یونانی است. به نظر شاکد، «وام‌گیری از یونان عامل مهمی در شکل‌گیری اندیشه‌های متأخر زرتشتی بود، است. به علاوه، این وام‌گیری با برخی توجیهاات دینی همراه بوده و ادعا می‌شده که مقدونیان، به هنگام اشغال ایران، کتابهای ایرانی را به یونان برده‌اند و در نتیجه انتقال مضامین یونانی به نوشته‌های زرتشتی چیزی بیش از استرداد میراث از دست رفته ایران نبوده است» (ص ۲۵۹).

استفاده استعاری از موضوعات ساده و پیش‌پاافتاده دنیوی در بیان بینشهای عمیق عرفانی سبکی است که، به نظر شاکد، از دوران باستانی ایران به دوره اسلامی منتقل شده و برای استدلال خود دو نمونه می‌آورد. یکی داستان تهیه لوزبینه صوفیانه یا فالوده عرفانی ذوالنون مصری و شباهت آن با حدائق دو روایت باستانی؛ متنی پهلوی درباره داروی خرسندی (J.A., *phil T.*) و داستان تهیه معجون بزرگمهر در زندان خسرو انوشیروان. هر دو این رواینها با داستان ساسانی دیگری که منسوب به آذرباد است و بعدها نیز در دوره اسلامی از محبوبیت بسیاری برخوردار شد شباهت دارد. روایات متعددی از این داستان در زبان پهلوی موجود است. نمونه دوم در استدلال ویسنده سخنان معاویه در شرح بهارتش در سیاست است که آن را برگرفته از اصل پهلوی گنمته منسوب به بخت‌آفرید حکیم می‌داند و هر دو سخن را نقل می‌کند.

در بخش دیگر کتاب، نکاتی درباره تلفیق عقاید سامی و ایرانی و تحولات اساطیر ایرانی آمده و گزارشهای مختلف درباره نخستین انسان و نخستین شهریار بررسی شده است.

غنا و یرباری فرهنگ و تمدن ایرانی چنان بوده که، حتی با آنکه در اواخر دوره ساسانی دچار فترت و اضمحلال می‌شود و سپس منهور فرهنگ نوظهور می‌تواند زنده بماند و در شکل‌گیری و توسعه جامعه و تمدن جدید سهم مهمی برعهده گیرد.

عناصر ایرانی در کیش مانوی، برادز اکتور شرور، ترجمه محمد شکری فونشی، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۸۲، ۱۸۳ ص.

تعیین خاستگاه و اصالت آیین مانی، در یک قرن گذشته، یکی از موضوعات مطرح در مطالعات ایرانی بوده است. کشف متون پارسی و فارسی میانه مانوی و انتشار متون قبطی و یونانی، یرای بودن آیین مانی را با تردید روبه‌رو کرده است. مخالفان و موافقان این فرضیه در این باره بسیار نگاهشته‌اند و با استدلالهاشان به این بحث دامن زده‌اند. برادز شرور، استاد ممتاز مطالعات ایرانی دانشگاه هاروارد و مسئول بخش زبانها و تمدنهای خاور نزدیک این دانشگاه، بدون آنکه در مقام مخالف با موافق دیدگاههای فوق قرار گیرد، در اثر خود عناصر ایرانی را در آیین مانوی بازجسته و

بررسی کرده است. با خواندن این کتاب، پژوهشگر مطالعات مانوی نیاز به شناخت عناصر بنیادین مانوی و مطالعه دقیق متون یونانی، لاتینی، سریانی و آرامی و نیز نوشته‌های مخالفان مانویت، از جمله متون زرتشتی، مثل کتیبه‌های کرتیر، دینکرد و گزارش گمان‌شکن، منابع مسیحی، همچون دست‌نوشته‌های آگوستین و برکونای و نیز متون متقدم اسلامی، همچون آثار ابن‌ندیم و بیرونی را، که هر دو با نوشته‌های مانوی آشنا بوده‌اند و از مطالب آنها استنساخ کرده‌اند، بیش از پیش درک می‌کند.

این اثر، در اصل، دو خطابهٔ شرواست که آنها را با عنوانهای «دین و دولت در ایران عهد ساسانی و مانویان» و «عناصر ایرانی در کیش مانی؟» در سالهای ۱۹۸۹-۹۰ در دانشگاه هاروارد ایراد کرده. پس از آنکه زوندرومان، مانی‌شناس برجستهٔ آلمانی، آنها را خوانده و نکات مهمی بر آنها افزوده، شرو آنها را در ۱۹۹۵ در مجموعه مقاله‌های بزرگداشت فیلیپ ژینو (*Au Carrefour des religions*) و ویژه‌نامهٔ شرقیات (*Res Orientales*, VII, pp. 263-284) به فیلیپ ژینو تقدیم کرده.

شرح حال نویسنده و فهرست آثارش و همچنین یادداشتهای کتاب‌شناختی مترجم، که گزیده‌ای است از فهرست پژوهشهای مهم و جدیدترین منابع سریانی، یونانی، لاتینی، فارسی میانه، عربی، فارسی، پارسی، مانوی، سغدی، ترکی اوغوری، چینی و قبطی، بخش بزرگی از کتاب است که نشان از تلاش و دقت مترجم دارد و بر اهمیت و فایدهٔ کار افزوده است.

چند چهرهٔ کلیدی در اساطیر گاه‌شماری ایرانی، انا کراسنولسکا، ترجمهٔ ژاله متحدین، تهران، نشر ورجاوند، ۱۳۸۲، ۳۳۶ ص.

جستهای ایران باستان، به‌ویژه اغلب آنها که به فصول سال و دستگاههای گاهشماری اسطوره‌ای مربوط می‌شود، در فرهنگ عامهٔ ایرانیان زنده مانده‌اند و تا روزگار حاضر تداوم یافته‌اند. غالب این اسطوره‌ها و آیینهای مربوط به این جشنها در نوشته‌های دینی زرتشتیان و نیز در آثار مؤلفان متقدم دورهٔ اسلامی ثبت شده‌اند. در این کتاب، قهرمانان این اساطیر و رسوم کهن و روایتهای مکتوب و مطالب غیررسمی در این باره تحلیل و بررسی شده است. اهمیت کار نویسنده مطالعهٔ این مضامین در محدودهٔ جغرافیایی جهان ایرانی است که وی «ایران بزرگ» می‌نامدش و گسترهٔ آن را از مرزهای کردستان تا قلّهٔ پامیر می‌گیرد. هرچند همهٔ مردمان این سرزمینها ایرانی نیستند و برخی اطلاعات متعلق به مناطقی است که اکنون ترک‌نشین‌اند (مانند جمهوری آذربایجان و ازبکستان)، اما، در نظر نویسنده، استمرار برخی پدیده‌های فرهنگی در این سرزمینها پیوند تردیدناپذیرشان را با مجموعهٔ باورهای ایرانی نشان می‌دهد.

کتاب در دو بخش اصلی تدوین شده: بخش اول شامل فصلهای ۱ تا ۳ است و دستگاه

گاهشماری ایرانی را از خلال جشنها و مراسم و آیینهای مربوط بدانها بررسی و درباره جنبه‌های باستانی تقدس آنها، که هنوز هم در نظامهای گوناگون گاهشماری غیررسمی و محلی محفوظ مانده، مطالبی طرح می‌کند و در این میان به تقسیم‌بندی غیررسمی فصلها به خصوص زمستان به چله و نیز دسته‌ای از جشنهای زمستانی و بهاری پیوسته با محاسبه چله می‌پردازد.

بخش دوم، که فصلهای ۴ تا ۱۰ را شامل می‌شود، توصیف شخصیت‌های گوناگون اساطیر تقویمی است. فصل چهارم بر معتقدات و اندیشه‌های ایرانی پیش از اسلام متمرکز است و، با تأکید خاص بر آثار ابوریحان بیرونی، قهرمانان اساطیری دوره ساسانی و پس از اسلام تا قرن حاضر را بررسی می‌کند. فصل پنجم توضیحات بیشتری است درباره فصل چهارم و به خصوص بررسی روایات مذهبی و حماسی زرتشتی از اسطوره مرگ و رستاخیز و تداوم آن در بعضی آثار ادبی معاصر. پنج فصل آخر، گرچه هریک فصل مستقلی است، بررسیهای پیوسته‌ای است درباره شخصیت‌های مختلف اساطیری آیینها و افسانه‌های تقویمی عامه، از جمله خضر نیبی، بزرگ‌بدر کشاورز، کوسه، شاه سال نو و پیرزن که برخی از آنها هنوز رواج دارند یا به تازگی از میان رفته‌اند، اما اغلب آنها برای نویسندگان قرنهای اولیه اسلامی آشنا بوده‌اند.

منابعی که نویسنده از آنها استفاده کرده بسیار گسترده است و در کتابنامه مفصلی در پایان آورده شده است. وی علاوه بر آنکه کتیبه‌های فارسی باستان، اوستا و متون فارسی میانه را دیده، در بخش عمده تحقیق خود، بر متون عربی یا فارسی سده‌های میانه اسلامی اتکا کرده، که با گزارشهای عامیانه امروزی تکمیل شده، از جمله آثار نجومی، تاریخی و جغرافیایی، اشعار حماسی، اشعار غنایی، اشعار درباری قرنهای چهارم و پنجم هجری و سفرنامه‌های سیاحان غربی به ایران، همچنین از گزارش بازدیدکنندگان تاجیکستان و یامیر، که حاوی تحقیقات روش‌مندی درباره دستگاه گاهشماری بومی و آیینهای تقویمی بین مردم ایران و آسیای مرکزی است، و نیز منابع مربوط به افغانستان و زرتشتی‌گری در هند و ایران امروز و منابع و متون معاصر ایرانی درباره فرهنگ عامه یا مرتبط با آن بهره برده است. با همه اینها، نویسنده این سؤال منطقی را طرح می‌کند که «آیا پرداختن به اطلاعاتی از قسمتهای مختلف جهان ایرانی، به عنوان اجزای یک کل واحد، موجه خواهد بود و آیا نمونه‌هایی که در دسترس ماست مواد و زمینه‌های کافی برای ساخت یک تصویر مشترک عمومی را فراهم می‌آورد؟» و خود چنین پاسخ می‌دهد: «به هر حال، حتی اگر نتیجه به دست آمده براساس چنین بازسازی‌هایی ناتمام و ناقص باشد، باز هم نشان می‌دهد که پدیده مورد تحقیق در سراسر این سرزمینها عموماً شباهت قابل توجهی با یکدیگر دارند. بنابراین معقول به نظر می‌رسد که آنها را به هم ببیونددیم و هریک را به کمک دیگران توضیح دهیم» (ص ۲۳).

انا کراسنولسکا، نویسنده کتاب، در سال ۱۹۴۹ در کراکف لهستان متولد شده و در بخش زبان‌شناسی دانشگاه کراکف استاد ادبیات و فرهنگ ایرانی است. زمینه تحقیقات وی ادبیات قدیم ایرانی، به خصوص شعر حماسی، اسطوره‌شناسی و فرهنگ عامه و نیز ادب معاصر و موضوعهای اجتماعی - فرهنگی در گستره جهان فارسی‌زبان است.

اوستا، کتاب مقدس پارسیان، مقدمه، تصحیح و تحشیه کارل فریدریش گلدنر، با پیشگفتار ژاله آموزگار، انتشارات اساطیر با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدنها، تهران، ۱۳۸۱.

به تازگی اوستایی که کارل فریدریش گلدنر (۱۸۵۲-۱۹۲۹) استاد و پژوهنده آلمانی زبانهای هند و ایرانی آن را تصحیح کرده و بر آن مقدمه‌ای جامع و حاشیه‌ای عالمانه نگاشته بوده، با پیشگفتاری محققانه به قلم ژاله آموزگار درباره گلدنر و اهمیت کارش در تدوین و تصحیح اوستا و توضیحاتی نسبتاً مفصل درباره زبان و بخش‌بندی اوستا، در قطع رحلی سلطانی به صورت دو رنگ (مشکی و قرمز) در یک جلد تجدید چاپ شده است.

گلدنر این اثر را طی سالهای ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۶ در سه جلد و یک مقدمه منتشر کرده بوده است. بخشهای مجلدات چاپ گلدنر شامل یک مقدمه، بخش اول یستا، بخش دوم ویسپرد و خرده اوستا و بخش سوم وندیداد بوده است. گلدنر در مقدمه‌اش که به انگلیسی ترجمه شده گزارشی مستند از تلاشها و دقت نظرهایی که به انتشار اوستایش انجامیده به دست داده است. همچنین در این مقدمه، به معرفی و نامگذاری همه نسخه‌های به دست آمده از اوستا براساس محل یافته شدنشان، ارائه مشخصات کامل نسخه و کاتبان و نساخان، تاریخ نگارش نسخه و ذکر ویژگیهای نسخه‌های مهم و مقایسه آنها با یکدیگر و ذکر اختلافات نسخه‌ها از لحاظ نگارشی و رده‌بندی اختلافات در جدولهایی پرداخته و به این ترتیب، مشخصات و تبارشناسی ۱۲۰ نسخه اوستا، از جمله متون زند، را در اختیار گذارده است.

از ویژگیهای دیگر اوستای گلدنر ترجمه حواشی به زبان انگلیسی است. بخش‌بندی، تقطیع و سجاوندی این اوستا به شیوه‌ای روش‌مند با ذکر دلایل و ارائه شواهد از ابتکارات گلدنر بوده که از تلاش عظیم سالیان وی حکایت می‌کند.

اگرچه بعدها نقدهایی بر قرائت گلدنر از اوستا صورت گرفت و برخی از دانشمندان اوستاشناس با نظریات او در تصحیح اوستا موافق نبوده‌اند، اوستای گلدنر راهی برای مطالعات و بررسیهای بعدی در برابر پژوهندگان اوستا گشوده است. تجدید چاپ این‌گونه آثار ناباب برای استفاده نیکو از آنها را باید امری مبارک تلقی کرد.

زمان و زادگاه زرتشت، گاردو نیولی، ترجمه سیدمنصور سیدسجادی، تهران، آگه، ۱۳۸۱، ۳۲۸ ص.
 زمان و خاستگاه زرتشت را نمی‌توان به دقت مشخص کرد. یکی از دلایل آن شاید این باشد که پیامبر، به خواست خود یا از روی اجبار، از زادگاهش مهاجرت کرده بوده: «به کدام سرزمین می‌توانم پرواز کنم؟ کجا بروم؟ آنان مرا از خاندان و قبیله‌ام جدا کرده‌اند. نه جامعه‌ای که من عضوی از آنم مرا می‌پذیرد و نه پیروان کذب و دروغ که بر آن فرمان می‌رانند» (یستا ۵۱: ۱۲).

پیشرفت و گسترش مطالعات ایرانی در چند دهه گذشته و ضرورت بازسازی دقیق‌تر چشم‌انداز تاریخی به مطرح شدن دوباره مسئله زادگاه زرتشت و دوره‌ای که پیامبر بزرگ ایرانی در آن می‌زیسته انجامیده است. نظریه‌های گوناگون ارائه شده برخی از تردیدهای مسلم را از بین نمی‌برد، اما به روشن ساختن برخی نکات اساسی در این باره کمک می‌کند.

این اثر نخستین کتاب گاردو نیولی، ایران‌شناس برجسته و استاد ممتاز تاریخ دین و زبانهای باستانی ایران در دانشگاه رم، است که به زبان فارسی ترجمه شده. مؤلف دانشمند هدف از این تحقیق را حل برخی از ابهاماتی می‌داند که می‌توان آنها را بیرون از حیطه پژوهشهای تاریخی و با اتکا به متون دینی ایرانی پیش از اسلام مطالعه و بررسی کرد.

نیولی در سال ۱۹۶۷ در برنامه گسترده پژوهشی مؤسسه ایتالیایی تحقیقات افریقا و شرق (ISIAO/ISMEO فعلی) کتابی چاپ کرد با عنوان *Richerche Storiche sul Sistān antico* (تحقیقات تاریخی درباره سیستان باستان) و پس از آن دامنه پژوهشهایش را با طرح مسائلی چون چگونگی گسترش دین زرتشتی، پیوند میان آموزه‌های اوستای متأخر و گاهان، سهم روحانیان شرق ایران و مغان در رواج دین زرتشتی، کیش هخامنشیان و شکل‌گیری دین دولتی زرتشتی و بالاخره کیش ساسانیان و اصلاحات مذهبی در آن دوره گستراند. او در سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۴ حاصل کارش را درباره دین سیاسی و مفهوم پادشاهی در دوره هخامنشیان و ساسانیان منتشر کرد (*La Persica nel medioevo*, 225-253/*Gururajamanjarika*, I, 23-88). زمان و زادگاه زرتشت حاصل مطالعات پیشین نیولی و بهره‌گیری وی از پژوهشهای سایر دانشمندان برجسته ایران‌شناس است که در ۱۹۸۰ در مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه ناپل منتشر کرده است. تشکیک علمی نیولی موجب شده همواره دیدگاههای پیشین‌اش را در مقایسه با نظریه‌های دیگران باز برسد و نادرستیهای آنها را نشان دهد یا آنها را مردود بداند و آخرین یافته‌های علمی‌اش را جایگزین گرداند. همان‌گونه که در آخرین اثرش، *Zoroastrian in History* (New York, 2000)، براساس پژوهشهای جدیدش، در زمان زندگی زرتشت تجدیدنظرهایی کرده است. اثر روش‌مند و پرمایه نیولی با استناد به منابع معتبر کهن و نو در هفت فصل تدوین شده است.

وی برای تعیین زادگاه زرتشت، چهار فصل نخستین را به بازنگری جغرافیای تاریخی اوستا اختصاص داده است و پیچیدگی مسئله نژادی و مذهبی را در سرزمینهایی که در وندیداد، زامیادیشست و مهریشت نام برده شده‌اند بررسی کرده است. در این میان، به نظریه «خوارزم بزرگ» و سپس به سیستان می‌پردازد، به خصوص به «هامون هیرمند» در سنن زرتشتی، و نظریه‌های سال ۱۹۶۷ خود را تکرار می‌کند و درباره آریاناها و آریایی‌ها، جمشید و سلیمان در سنن سیستانی، گاوَداری و طبقات اجتماعی و اوضاع اقتصادی-اجتماعی نظریه‌های جدیدی مطرح می‌کند. مؤلف فصل پنجم را به مسئله زمان قطعی زندگانی زرتشت اختصاص داده و تاریخی کهن‌تر از سده‌های هفتم و ششم پیش از میلاد برای آن تعیین می‌کند و می‌گوید میان زمان آغاز زرتشتی‌گری و تشکیل دولتهای شاهی در بخش فلوات ایران می‌بایست دوره‌ای طولانی سپری شده باشد. در فصل ششم می‌کوشد تصویر مختصری از اصلاحات زرتشت در زمینه‌های یکتاپرستی و مفهوم دوگانه‌پرستی و ضدیت با رسوم رایج زمان به دست دهد. آخرین فصل کتاب به شناخت و بازسازی تاریخ مزدایی تا زمان ساسانیان اختصاص یافته است.

پایان بخش کتاب نتیجه‌ای است که از جمع‌بندی مطالب هفت فصل به دست آمده که گزیده و چکیده آن چنین است: زرتشت در اواخر هزاره دوم یا آغاز هزاره نخست پیش از میلاد در سرزمینهای شرقی جهان ایرانی، بین مناطق هندوکش با سرمای شدید زمستانی و هامون هیرمند زندگی می‌کرده است. افق جغرافیایی همان است که با نام آریانا در منابع یونانی معرفی شده. این منطقه رگا/رغه زرتشتی و بخش معروف سیستان را در برمی‌گیرد. جغرافیای اوستا کاملاً شرق ایران است. شمالی‌ترین نقطه‌ای که زرتشت کار خود را دنبال کرد باکتریا و آریا و جنوبی‌ترین آن درنگیانا (زرننگ) و آراخوزیا بوده است و نه خوارزم یا سغد. چشم‌انداز زمانی و تاریخی زرتشت مربوط به نخستین سده‌هایی می‌شود که قبایل ایرانی در آن سرزمینها جای گرفتند. در آن نقاط یا حداقل بخشی از آن، تمدنهای شهری پیشرفته‌ای چون شهر سوخته، که احتمالاً همان سرزمین اوت منابع سومری است، با تمدنهای سندی و بین‌النهرینی به‌لوی می‌زده است.

ساختار اجتماعی و سیاسی دنیای زرتشت ساختار جامعه‌ای مبارز و جنگجو زیر فرمان اشرافیت ایرانی بود. این جامعه به سه طبقه تقسیم می‌شد که اتحادیه مردان بر آن حکومت داشتند و آیینهای خون‌آلود پرستشی و قربانی ویژگی بارز مذهب آنان بود. زرتشت شخصیت مذهبی بزرگی بود که حدود پنج سده پیش از بودا و هزار سال پیش از مسیح می‌زیست، کاهنی که با آموزه‌ها و آیینهای پیشینیان آشنایی داشته و، چنانکه از زبان و ساختار گاهان برمی‌آید، به آنها متعلق و در آنها متبحر نیز بوده است. او برضد آیین مادی و شرک‌آلودی که بزرگان پشتیبانی‌اش می‌کردند قیام کرد و بی‌شک از آغاز کار خود، در اجرای مراسم قربانی جانوران و استفاده از هوم، گیاه مخدر توهم‌زای

هند و ایرانی، تأمل کرده است. مذهب دیوان را که نتیجه نادانی و تصورات واهی بود محکوم کرد و آموزه‌ای بنا نهاد براساس یکتاپرستی و در عین حال دوگانه‌نگاری. آموزه‌ای با ارزشهای اخلاقی بسیار والا که براساس انتخاب آزادانه انسان بنا نهاده شده بود. هدف نهایی این انتخاب کسب آگاهی و شناخت با کمک نیروهایی بود که جلوه‌های الهی و فضایل انسانی به شمار می‌رفته‌اند؛ وجودهای مستقل و همراهان «سرور دانا» که جهان الوهی را با جهان انسانی پیوند می‌دهند. لزوم بازگشت به چشم‌انداز تاریخ دینی ایران پیش از اسلام کاملاً محسوس است. شخصیت پیامبری اصلاح‌گر و گسترش و منحرف شدن پیام اولیه او به دست روحانیت که به تشکیل دین دولتی و سازمان‌یافته منجر شد از نقاط بارز و برجسته این چشم‌انداز است. حلقه اصلی ارتباط میان این وقایع تاریخی تنظیم تدریجی اوستا و احیای خدایان شرک‌آلود در کسوت ایزدان و ارتباط آن با تمدن بین‌النهرینی و تفکرات و عقاید مذهبی غرب آسیاست. این ارتباط البته یکسویه نبوده، بلکه ارتباطی متقابل بود که ایران به کمک آن توانست در اندیشه دینی خاور نزدیک و در نهایت جهان غرب تأثیری عمیق باقی گذارد.

یادداشت‌های «پیوست» و کتابنامه مفصل و کوتاه‌نوشته‌ها به همراه نقشه‌ای از جغرافیای اوستا از ضمایم مفید کتاب است و جای خالی نمایه در این اثر تحقیقی کاملاً مشهود.

مرکز نشر دانشگاهی منتشر کرده است:

مجله‌های ایران‌شناسی و تاریخ

سال هجدهم، شماره اول، پاییز و زمستان ۸۲

تمرکزگرایی و بخش‌گرایی در سیستم‌های حکومتی: حکومت عیلام در دشت شوشان در هزاره دوم ق م / کامیار عبیدی

بیکرکهای آیینی مؤنث در فلات ایران از قدیمیترین ایام تا عهد ساسانیان / شهین خانی

ردیابی عنصری و روش ساخت سفال زرین‌فام / فرشته رحیمی

روابط اسپانیا و پرتغال با ایران از آغاز تا عصر شاه عباس اول / مهدی موسوی

سیر فرهنگ‌های پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران با مقایسه دوران سیلک III و تسلسل سفالگری در

تپه قبرستان / یوسف مجیدزاده / ترجمه فرشید مصدقی امینی

سکونتگاه گورخندگان صرم: گزارشی درباره محوطه شمشیرگاه در جنوب قم، اردیبهشت ۱۳۸۲ /

حمید فهیمی

گزارش مقدماتی بررسی پناهگاه‌های صخره‌ای درمره، کوه‌دشت لرستان / بابک مرادی